



ما به قدرت آگاهی و آموزش باور داریم

# نشریه انجمن همراهان بدون مرز

شماره سه، مرداد ۱۴۰۰، جولای ۲۰۲۱



## میز مدرسه در خیابان

## فهرست

- ۳ ..... انجمن‌های خیریه و اعتماد عمومی
- ۴ ..... کار کودک، تاریخچه و وضعیت کنونی
- ۷ ..... مواجهه با کودکان کار، باورهای رایج
- ۱۱ ..... انجمن حمایت از کار کودک
- ۱۷ ..... یادداشتی حقوقی بر کار کودک
- ۱۹ ..... کیسر
- ۲۱ ..... همراهان بدون مرز در سه‌ماهه‌ی دوم ۲۰۲۱
- ۲۵ ..... بوم‌نقاشی

صاحب امتیاز: انجمن همراهان بدون مرز

مدیر مسئول: کارگروه تشکیلات انجمن همراهان بدون مرز

سردبیر: ناصر پویافر

طراح جلد: رویا شمسی نژاد

ویراستار: مهرناز صالحیان

صفحه آرایی: المیرا حمیدی، شبنم کاووسی

هیئت تحریریه: آصفه غدیری بیدهندی، شادان مظفری، حامد سقایی،

فهیمة ضیایی، مهسا رویین تن،

و با تشکر از انجمن حمایت از کودکان کار، گروه عکاسی هنرمندان بلوچ،

کارگروه مالی، کارگروه تولید محتوا و طاهره گلستانی زاده

publicaiton@rwb.charity



## انجمن‌های خیریه و اعتماد عمومی

ناصر پویافار - بازرس انجمن همراهان بدون مرز  
naser.pouyafar@rwb.charity

برای عضوی پیش بیاید، وی بتواند به راحتی این ابهام را از طریق ارتباط با مسئول مربوطه پیگیری نماید.

از خیرین نیز انتظار می‌رود که انجمن خیریه‌ی معتبر و معتمدی را برای پشتیبانی انتخاب کنند و در عین اعتماد و حمایت، نسبت به عملکرد سازمان حساس و فعال باشند و مانع اشتباهات سهوی و یا خدای نکرده عمدی خیریه شوند. برخی خیرین صرفاً به اینکه ماهانه مبلغی را به یک خیریه پرداخت می‌نمایند، اکتفا می‌کنند، در صورتی که انتظار می‌رود ضمن اعتماد، در جریان اخبار و احوال مجموعه‌ی مورد حمایت خود باشند و خیریه فعال و مطالبه‌گر باشند.

انجمن همراهان بدون مرز، از شروع فعالیت خود همواره کوشیده است تا کمک‌های دریافتی شما همراهان عزیز را با بیشترین بهره‌وری در جهت اهداف تعیین شده، هزینه نماید. انجمن، ارایه‌ی گزارش‌های منظم و دقیق از میزان درآمدها، هزینه‌ها و پروژه‌های انجام شده را وظیفه‌ی خود می‌داند تا اعضا بتوانند به آسانی و دقت بر عملکرد انجمن نظارت داشته باشند. انجمن با برگزاری مجمع عمومی سالیانه، جلسات ماهانه‌ی کارگروه‌های مختلف، امکان مشارکت همه‌ی اعضا در فعالیت‌ها و نظارت بر عملکرد انجمن را فراهم کرده است. همچنین راه‌های ارتباطی کافی و ساده برای ارتباط با بخش‌های مختلف انجمن وجود دارد که جزئیات آن را در وبسایت می‌توانید مشاهده نمایید.

ضمن قدردانی از همه‌ی همراهان عزیز بابت اعتماد به انجمن، تقاضا داریم که برای ارتقای انجمن، گزارش‌ها و اخبار انجمن را دنبال کنید و هرگونه سوال و ابهام را با دبیر کارگروه مربوطه و یا بنده مطرح نمایید. به امید آنکه قدم‌هایمان، هر چند کوتاه، ولی پیوسته باشد و لبخندی را بر لبان عزیزانی بنشانیم.

اعتماد به عنوان یکی از مولفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، از ارکان مهم و کلیدی ارتباطات و تعاملات فردی و گروهی می‌باشد. بسیار بدیهی است که سازمان‌ها و گروه‌ها، بنا بر رسالت، نوع مخاطب و حیثه‌ی فعالیتشان سعی در اعتمادسازی داشته باشند و هر چقدر که دامنه و تعداد مخاطب، عضو، سهامدار و مشتری ایشان گسترده‌تر و بیشتر باشد، جلب اعتماد عمومی پیچیده‌تر و ضروری‌تر می‌شود.

سازمان‌های خیریه با هدف بهبود شرایط زندگی افراد کم‌برخوردار فعالیت می‌کنند. هدفی که در ادیان، مکاتب و فرهنگ‌های بسیاری توصیه و تشویق شده است. سازمان‌های خیریه با برخورداری از نیروهای داوطلب و ساختار ساده، عمدتاً هزینه‌های کمتری نسبت به دولت‌ها دارند و در کنار دولت، در جهت کاهش فقر و ارتقای زندگی افراد گام برمی‌دارند و البته از برخی امتیازات مانند معافیت مالیاتی، برخوردار می‌شوند و نیز کم‌تر تحت نظارت قرار دارند.

منابع مالی سازمان‌های خیریه عمدتاً از طریق کمک‌های خیرین تامین می‌شود، افرادی که به صورت انفرادی تجربه، وقت و سرمایه‌ی کافی برای تحقق اهداف خیر را ندارند، با اعتماد به سازمان‌های خیریه، ایشان را به نوعی وکیل و نماینده‌ی خود در تحقق اهداف خیر می‌نمایند. سازمان خیریه وظیفه دارد که امانت‌دار معتبری باشد تا خیرین با اعتماد و خیال آسوده به پشتیبانی خود ادامه دهند.

یکی از راه‌های افزایش اعتماد، شفافیت است. خیریه‌ها با ارائه‌ی گزارش‌های مالی منظم و شفاف، مخاطبین را از گردش مالی سازمان آگاه می‌سازند. همچنین گزارش پیشرفت طرح‌های مصوب، می‌تواند به خیر این اطمینان را بدهد که کمک وی در جهت تعیین شده، هزینه می‌شود. سازمان خیریه باید راهکار مشخص و ساده‌ای را پیش بینی کرده باشد تا در صورتی که ابهام، سوءتفاهم یا سوالی

## کار کودک، تاریخچه و وضعیت کنونی

ناصر پویافر

انگلستان اولین کشوری بود که قوانینی درباره کار کودکان وضع کرد. بین سال‌های ۱۸۰۲ تا ۱۸۷۸ مجموعه قوانینی وضع شد که به تدریج باعث کوتاه‌تر شدن ساعات کاری و بهبود وضعیت کاری شد و حداقل سن برای کار کودکان را افزایش داد. بعد از آن، سایر کشورهای اروپایی نیز قوانین مشابهی را وضع کردند. سال‌ها طول کشید تا کار کودکان در آمریکا غیرقانونی شود. پس از تلاش‌های بسیار فعالین کارگری و اجتماعی در سال ۱۹۸۳، قانون استانداردهای کار منصفانه وضع شد که به موجب آن محدودیت‌های سنی برای کارهای مختلف در نظر گرفته شد (۴۰۳).

بنا به ماهیت نیمه‌پنهان و غیرقانونی کار کودک، ارایه‌ی آمارهای دقیق و معتبر، کمی دور از واقع به نظر می‌رسد، در این نوشتار سعی شده بر اساس منابع موجود، تصویری از کار کودکان در جهان امروزی ارائه شود ولی هیچ بعید نیست که واقعیت این پدیده، شدیدتر و خشن‌تر از آمارها باشد.

طبق گزارش سازمان بین‌المللی کار علیرغم کاهش درصد کودکان کار، همچنان ۱۶۰ میلیون کودک کار (حدود ۱۰٪ کودکان) وجود دارد. ILO به منظور برجسته کردن مشکلات این کودکان و با قصد افزایش جنبش‌ها و فعالیت‌های ضد کار کودکان، روز ۱۲ ژوئن را به عنوان روز جهانی علیه کار کودک در نظر گرفته است.

اصطلاح "کار کودک" غالباً به فعالیتی گفته می‌شود که کودک را از کودکی، استعدادها و شان وی محروم، پیشرفت جسمی و روحی کودک را مختل می‌کند و فرصت آموزش و مدرسه رفتن را از وی می‌گیرد. حدود نیمی از کودکان در معرض کارهای خطرناک قرار دارند و نیز برخی مجبور به قاچاق می‌شوند (۶۰۵). این پدیده در بیشتر کشورهای کم و بیش وجود دارد، متأسفانه در ایران روند به صورت افزایشی است و کودکان بیشتری با سن کمتر وارد می‌شوند. در ایران، تعاریف و آمارهای متفاوت در این زمینه وجود دارد، اغلب کودکان کار هیچ گونه ثبت هویتی ندارند؛ آمار دقیقی در این زمینه نمی‌توان ارائه کرد. گزارش‌های غیر رسمی تعداد کودکان کار را بین سه تا هفت

من کشیش مریضخانه‌ی انگلیسی‌ها هستم. روزهای یکشنبه گیوه‌هایم را می‌پوشم و راه می‌افتم می‌روم توی دهات. نخستین دفعه که رفتم توی دهات، دیدم بچه‌ای توی ده دیده نمی‌شود. تعجب کردم، گفتم: «بچه‌هایتان کجا هستند؟» جواب دادند: «ای آقا بچه‌هایمان را می‌فرستیم به قالیبافی در کرمان». فردایش رفتم توی کارخانه‌ها و دیدم بچه‌های کوچک ۹ و ۱۰ ساله پشت دستگاه قالیبافی نشسته‌اند و دارند کار می‌کنند. چه کاری هم! تابستان‌ها وقتی آفتاب طلوع می‌کند باید بروند به کارخانه‌ها، تا غروب آفتاب؛ یعنی حدود ۱۲ الی ۱۳ ساعت، همه‌شان روی یک تخته، شبیه الوار دراز می‌نشینند و جان می‌کنند. بچه‌ها از نظر سلامتی و صحت مزاج به قدری وضعشان خراب شده که پدر و مادرها صبح و عصر باید اینها را کول کنند و بیاورند به کارگاه و برگردانند. خودشان نمی‌توانند راه بروند. از نظر غذایی هم این بیچاره‌ها قدری نان خالی می‌خورند و باز مشغول می‌شوند.

این توصیفات قسمتی از نامه‌ی یک کشیش است که از کرمان برای سازمان بین‌المللی کار نوشته است و محمدعلی جمالزاده که در سال ۱۹۳۰ در اداره بین‌المللی کار در ژنو کار می‌کرده، به آن اشاره داشته است (۱).

علیرغم روز جهانی مبارزه با کار کودکان که به تازگی و در سال ۲۰۰۲ توسط سازمان بین‌المللی کار (ILO) به رسمیت شناخته شده است، کار کودک و کودکان کار قدمت بسیار طولانی دارند و صرفاً مختص کشورهای فقیر نیز نبوده و نیست. کار کودک به شکل‌های مختلف در تاریخ مشاهده شده ولی با وقوع انقلاب صنعتی به اوج رسیده است. در صنایع جدید، نیاز به قدرت جسمانی افراد بزرگسال کمتر بود و کودکان کارمندان ایده آلی بودند که با دستمزد پایین‌تر، بیشتر قابل کنترل بودند و کمتر برای اعتراض به شرایط اسفبار کار، اعتصاب می‌کردند. در سال ۱۹۰۰، ۱۸٪ کارگران آمریکا زیر ۱۶ سال بودند. کودکان مجبور به کار در شرایط کاری بسیار بدی، مانند محیط‌های شلوغ، غیربهداشتی، خطرناک و ساعات کار طولانی بیش از ۱۲ ساعت و شش روز در هفته بودند (۳۰۲).



پرجمعیت، ضعف سیستم آموزش کشور و البته نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی و سنت‌ها، در این مهم موثر است. بعضا کار کودک چنان در عادات و رسوم محلی درهم تنیده است که والدین و کودک نمی‌فهمند که این امر برخلاف منافع کودک و نیز قانون است، مانند اینکه کار کردن برای ساخت شخصیت کودک خوب است و یا از فرزندان انتظار می‌رود که شغل والدین را دنبال کنند و در سنین کم، شروع به تمرین و یادگیری می‌کنند، دختران به تحصیل نیاز چندانی ندارند و به جای مدرسه به کار در خانه و یا بیرون آن مشغول می‌شوند (۹).

میلیون نفر اعلام داشته‌اند. در گزارش‌های تفصیلی مرکز آمار ایران، هیچ اطلاعاتی درباره‌ی اشتغال کودکان زیر ۱۰ سال وجود ندارد. بر اساس آمارهای رسمی در سال ۱۳۹۶، حدود ۴۱۰ هزار کودک ۱۷-۱۰ ساله شاغل بوده‌اند که نسبت به سال‌های ۹۴ و ۹۵ به ترتیب ۱۰/۲ و ۱۱/۵٪ افزایش داشته است (۷).

کودک برای بقای خود و خانواده‌اش به اجبار کار می‌کند. کار کودک معلول عوامل بسیاری است که بررسی دقیق عوامل ایجاد و بقای کار کودکان، گسترده‌تر و پیچیده‌تر از آن است که در این مقاله بگنجد.



گروهی از کارگران کارخانه نخریسی در Clayton، اکتبر ۱۹۲۱

در دسترس بودن مدرسه و امکانات آموزشی نیز در کار کودک بسیار موثر است. در بسیاری مناطق مدرسه و امکانات کافی وجود ندارد، حتی با وجود مدرسه، برای والدین آموزش رایگان نمی‌تواند جایگزین درآمد کار شود و یا اینکه بعضا کیفیت آموزش آنقدر پایین و بی‌ربط به نیازهای بومی می‌باشد که دلیلی برای مدرسه رفتن نمی‌بینند. این کودکان وارد مشاغل ساده و بی‌مهارت می‌شوند، غالباً کم/بی‌سواد می‌مانند و امکان ارتقای شغلی در بزرگسالی ندارند و این می‌تواند به

الگوی کار و فعالیت‌های کودکان در خیابان متأثر از شرایط خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که کودکان را به خیابان سوق می‌دهد و نیز هم‌زمان به رفتارهای آن‌ها در خیابان شکل می‌دهد. این زمینه در کشورهای مختلف و حتی شهرهای مختلف یک کشور متفاوت است (۸).

فقر اقتصادی و سوءعملکرد خانواده را می‌توان مهم‌ترین عوامل برای کار کودک در نظر گرفت. در بسیاری موارد بی‌تعهدی والدین، خانواده‌های

فقر مزمن منجر شود (۹).

علاوه بر دلایل اقتصادی-خانوادگی، جنگ و مهاجرت نیز بر افزایش کار کودکان موثر است. بر اساس گزارشی از ILO در سال ۲۰۱۳، ۳۱٪ جمعیت جهان مهاجران بین‌المللی و حدود ۱۰/۷٪ مهاجران داخلی بوده‌اند. حدود یک سوم این مهاجران بین ۱۲ تا ۲۴ سال داشته‌اند، به عبارتی میلیون‌ها کودک به عنوان مهاجر در داخل و یا خارج مرزهای کشورشان با همراهی و یا بدون والدینشان وجود داشته‌اند. کودکان مهاجر با چالش‌های جدی در مسیر مهاجرت روبرو هستند؛ خصوصاً زمانی که بدون حضور خانواده‌شان و یا بدون اسناد و مدارک لازم مهاجرت می‌کنند، به ویژه در کشورهایی که حمایت‌های قانونی لازم وجود ندارد، کودکان مهاجر آسیب‌پذیرتر و در معرض خطر سوءاستفاده به عنوان کودک کار قرار دارند. بسیاری از کودکان مهاجر در نهایت در بخش کشاورزی و خدمات از جمله کارهای خانگی مشغول به کار می‌شوند و برخی از آنها نیز، قربانیان قاچاق انسان می‌شوند (۱۱و۱۰). کار کودک می‌تواند باعث آسیب‌های جسمی و روحی و حتی مرگ وی شود. ایشان تحت استثمار اقتصادی، برده‌داری و سواستفاده‌ی جنسی قرار می‌گیرند و در بسیاری موارد از تحصیل، مراقبت‌های

بهداشتی-درمانی و حقوقشان محروم می‌شوند (۱۲). عدم آموزش کافی و یادگیری مهارت، در کنار آسیب‌های جسمی و روحی محتمل، کودک را از جامعه جدا و دستیابی وی در بزرگسالی به شغلی متناسب و برخورداری از حقوق کاری خود را باز می‌دارد و احتمال تکرار چرخه‌ی کار کودک در نسل بعدی و بروز فقر مزمن افزایش می‌یابد (۱۳). کودکی که امکان آموزش مناسب و هیچ حمایتی ندارد و شرایط سختی می‌گذراند، مورد تهدید است و امکان بزهکاری وی افزایش می‌یابد. برای مقابله و رفع کار کودک، به عزمی همگانی و برنامه‌ریزی‌های خرد تا کلان نیاز است. دولت‌ها با وضع قوانین و اجرای آنها، بهبود شرایط اقتصادی، تصحیح دیدگاه والدین و جامعه در مورد کودکان و سیستم آموزشی در این مهم سهم دارند. سمن‌ها و انجمن‌های مرتبط نیز در کنار نقش مشاوره‌ای برای سازمان‌های دولتی، می‌توانند به شناسایی، ساماندهی، آموزش و پشتیبانی کودکان و خانواده‌ها بپردازند تا کودکان بیشتری از چرخه‌ی کار کودک خارج شده و در کنار آموزش، کودکی را نیز تجربه کند و این مهم محقق نخواهد شد، مگر با همراهی و مطالبه‌گری ما.

منابع:

۱. تاریخ کودکان کار در ایران
2. Child Labor - Laws, Definition & Industrial Revolution - HISTORY
3. Social Welfare History Project Child Labor
۴. تاریخچه کار کودکان
5. What is child labour (IPEC) (ilo.org)
6. Child labour
۷. فراتحلیل مطالعات عوامل اثرگذار بر پیدایش کودکان کار و خیابان
8. [https://ijsp.ut.ac.ir/article\\_58570.html](https://ijsp.ut.ac.ir/article_58570.html)
9. Causes
10. Migrant children in child labour: A vulnerable group in need of attention
۱۱. مهاجرت چه تاثیری بر افزایش معضل کار کودک می‌گذارد؟
12. Child labour
۱۳. شناسایی آسیب‌های پیش روی کودکان کار روستایی در فعالیت‌های کشاورزی دهستان ماهیدشت



## مواجهه با کودکان کار، باورهای رایج

شادان مظفری

همیشه‌گی و پرننگشان عادت کرده‌ای که جزئی از زمینه زندگی روزمره شده‌اند و اصلا فکری نمی‌کنی در موردشان؟ مثل زمینه ثابت یک نقاشی شلوغ. خود من در واقع هیچ وقت این سوال در ذهنم ایجاد نشده بود. بودند و من در مورد دلیل بودنشان هیچ فکری نمی‌کردم. اما حالا سوالی برابم پیش آمده: "کدام باور را دوست داریم؟" انگار تفکر و نگاه اول را فیلم‌ها و سریال‌هایی که در این مورد می‌بینیم کمی پرننگ‌تر می‌کنند، نه؟ کدام به تو یا من آرامش بیشتری می‌دهد؟ احتمالا تفکر اینکه آنها همگی جزو یک سری باندهای بزرگتر هستند خیلی آرامش بخش‌تر است چون مسئولیت را از دلیل ایجاد این قشر یا افزایش آنها از من و تو سلب می‌کند اما حالت دوم نه تنها به فکر فرو می‌بردمان بلکه دلمان را می‌سوزاند از دیدن این واقعیت تلخ که مبادا واقعا تک تک این کودکان نان‌آور خانواده‌ای هستند؟ در نظر داشتن یک واقعیت و یادآوری آن به خودمان ما را از احتمال اول دور می‌کند. آگاهی به اینکه آنچه که از دیدن کودکان دوره‌گرد یا دستفروش در سطح خیابان‌ها می‌بینیم، تنها پوسته‌ای از این بخش از اجتماع هستند که بیشتر در معرض دید ماست. در کارخانه‌ها، معادن، کارگاه‌های خصوصی، در مزارع کشاورزی و بسیاری دیگر از موارد و مشاغل کودکان کار حضور دارند.

کنجاکو شدم. چون اگر فرضیه دوم درست می‌بود، کمی هولناک بود که انقدر تعدادشان زیاد است. این شد که سوالم را از شکوفه - فعال اجتماعی که چندین سال است در حوزه حقوق کودکان کار در تهران فعالیت می‌کند- پرسیدم. او که پرونده‌های صدها تن از این کودکان را دیده و با آنها و زندگی‌شان از نزدیک در ارتباط است می‌گوید: "بله اینها واقعا نان‌آوران خانواده هستند. در بسیاری از موارد تنها نان‌آور یک خانواده. خانواده‌هایی که در آنها هیچ شخص دیگری قادر به کار نیست یا به علت فقر بسیار زیاد، کار کردن تمام اعضای خانواده نیز کفایت زنده ماندن او و مابقی اعضا را نمی‌دهد." فکر کردم اگر واقعیت این است ایجاد یا تقویت این تفکر که این کودکان عضو گروه‌های خاصی هستند و سردهسته این باندها به علت خوب بودن

با اتومبیل خود جلوی چراغ راهنمایی ایستاده‌ای و منتظری که چراغ سبز شود. در این میان پدیده‌ای که شاید بسیار هم به آن عادت کرده‌ای این است که هر لحظه یکی می‌آید و اصرار می‌کند که شیشه را بدهی پایین و از او چیزی بخری. عموما قد و قواره‌ی این فرد در حد رسیدن سرش به ارتفاع شیشه‌ی ماشین توست، گاهی نیز زور می‌زند سرش یا دستش را بالا بگیرد تا تو متوجه او شوی. گاهی نمی‌خواهد چیزی به تو بفروشد و می‌خواهد خدماتی ارائه دهد، چیزی که از ساز یا شیشه پاک‌کن و دستمال دستش می‌فهمی. داخل مترو یا اتوبوس نشسته‌ای و بچه‌ای خردسال را می‌بینی که دستانش پر از کلاه‌های کوچک است. گاهی بعضی از قدیمی‌ترها که کهنه‌کارترند تبلیغات جانانه‌ای می‌کنند تا جذب شوی، گاهی نیز از کوچکی و دلبری خود استفاده می‌کنند و شروع می‌کنند به گفتن اینکه 'خاله... عمو... به دونه بخر... تورو خدا به دونه بخر...! اگر بیشتر از یکی باشند با یکدیگر رقابت می‌کنند در گرفتن توجه تو. خوب تا اینجا کار همه چیز طبیعی و عادی به نظر می‌رسد. تو عادت کرده‌ای به حضورشان. حتی ممکن است پشت چراغ قرمز یا روی صندلی مترو که نشسته‌ای ناخودآگاه منتظرشان باشی. آنها جزئی از زندگی هر روز تو در شهر هستند. اعضای از جامعه که اتفاقا حضورشان انگار خیلی هم پرننگ است و اینکه کجای شهر باشی و در حال پیاده‌روی، جابجایی با وسیله نقلیه عمومی یا اتومبیل شخصی باشی چیزی از پرننگی حضورشان کم نمی‌کند. اما آنها بیشتر به نظر قشر می‌آیند نه؟ لایه‌ای از جامعه با اعضای مشابه. مشابهت در رفتار، در رده سنی، در فعالیتی که در طول روز می‌کنند و یا حتی در اجناسی که می‌فروشند. طوری که انگار آن نوع خاص آدماس، آن تک شاخه گل‌های سفید و زرد و آن فال‌ها یا برند خاصی از چسب زخم که ارزان‌تر است انحصار آن‌هاست. این همه وجه مشترک می‌تواند نشان از این باشد که اینها یک گروه‌اند یا شاید در دسته‌های مختلف جزو باندهایی هستند که تعداد زیادی از آنها را به عضویت گرفته‌اند. همچنین می‌تواند نشان از یک موقعیت و دلیل یکسان باشد. یک درد مشترک. تو هیچ کدام از این دو دیدگاه را داشته‌ای؟ یا انقدر به حضور

به آسیب‌های زیادی مانند بازماندن از تحصیل، آسیب‌های روانی جبران‌ناپذیر، احتمال گرایش کودک در بزرگسالی به بزهکاری، تجربیات بسیار زیان‌بار سو استفاده‌های جنسی، خرید و فروش و قاچاق این کودکان، بکارگیری آنها در اعمال غیر قانونی و همچنین آسیب‌های جسمی ناشی از مواجهه با مواد شیمیایی خطرناک یا آلودگی‌ها در اموری مانند زباله‌گردی و ... اشاره کرد. آسیب‌هایی که در سطح وسیع قطعاً جامعه حال و آینده را نیز تحت تاثیر قرار خواهند داد.

پس از پذیرش این واقعیت‌ها احتمالاً حس مسئولیت پذیری اجتماعی مان تلنگری خورده و به فکر می‌رویم که به نوبه خود چه تاثیر مثبتی می‌توانم داشته باشم. چه کار می‌توانم بکنم تا گستره و حجم

درآمد این حوزه هر روز تعداد بیشتری از کودکان را به کار می‌گیرند تا چه حد تخریبی است. گرچه خیالمان را کمی راحت می‌کند اما مهم‌ترین اشتباهی که مرتکب می‌شویم گرفتن صد درصدی فرصت حل یک مسئله با پاک کردن آن است. چرا که مشکلی که نیست را نمی‌توان حل کرد یا نمی‌شود حتی به آن فکر کرد. پس بهتر است در وهله اول، واقعیت را هرچند تلخ بپذیریم. باید بدانیم که کار کودک پدیده‌ای است که به شهر یا کشور خاصی مربوط نیست. این پدیده کلان است اما حجم آن، آسیب‌های محتمل‌تر آن و طریقه مواجهه با آن بسته به محیط، بسیار متغیر است. تنها کلیتی که می‌توان پذیرفت این است که بسیار آسیب‌زا بوده و بیشترین و عظیم‌ترین آسیب‌ها در



این پدیده کمتر شود یا حداقل از آسیب‌های آن بکاهیم؟ گذشته از کمک‌های مالی که انجمن حمایت از کودکان کار یا موسسات دیگر جمع‌آوری می‌کنند و خدمات و آموزش‌های موسسات مختلف برای این کودکان، اطلاعات و رفتارها و رویکردهای ساده‌ای وجود

موارد زیرزمینی و دور از دید عموم اتفاق می‌افتند. ندیدن بسیاری از این کودکان کار و شرایط کاری و زندگی آنها ممکن است میزان بزرگی این پدیده و ابعادش را در نظر من و تو کم‌رنگ کند و آنها را مستعد آسیب بیشتری کند. از قبیل آسیب‌های ناشی از کار کودک می‌توان





پس از این کار اجتناب کنیم.

۳. ترحم نکنیم. ما با یک فروشنده در ارتباطیم. کسی که در حال فروش کالا یا خدماتی به ماست. پس مانند یک مشتری با او رفتار کنیم و تنها در صورت نیاز به یک کالا یا خدمات آن را خریداری کنیم. القای حس ترحم ما یا ادای کلمات ترحم آمیز، کودک را تشویق به برانگیختن حس ترحم برای برآوردن نیازهایش خواهد کرد و باعث خواهد شد دست از تلاش‌های معقول بردارد. باید توجه کنیم حتی توجه بیش از حد و غیرعادی ما موجب انتقال احساس ترحم و غیرعادی بودن به آنهاست. این امر، غالب موارد ممکن است موجب تمایل او به کارهای کاذب حتی در آینده شود و برای خود کودک و جامعه مخرب است.

۴. به کودک حس ارزشمند بودن دهیم. کودک کمابیش متوجه تفاوت خود با همسالان خواهد بود. کاری می‌کند که مشکل‌تر است. ما می‌توانیم با برخورد درست و حساب‌شده این حس را به او بقبولانیم که کار او مشکل‌تر است اما ارزشمند است. اگر خریدار کالا یا خدمات او هستید مانند یک مشتری با او برخورد کرده و در مورد اینکه به عنوان مثال این کالا چه رنگ‌ها یا نوع‌هایی دارد یا آیا امکان تخفیف دارد یا ... به بحث بپردازید. همچنین می‌شود در صورت خوب بودن کالا یا خدمات او از آنها تعریف کنیم. این برخوردها می‌تواند به افزایش حس اعتماد به نفس کودک کمک کند.

دارند که گرچه در راستای توقف یا ریشه‌کن کردن این مسئله نیست اما با رعایت آنها می‌توانیم از آسیب‌های ناشی از این پدیده کمی بکاهیم. به هر حال ما با برخی از این کودکان هر روز در ارتباط هستیم. شاید بیشترین ارتباط زندگی فروشندگان خیابانی خردسال با ما باشد و فهمشان از محیط اطراف ما باشیم چون بیشتر زندگی آنها در خیابان‌ها می‌گذرد. حتی به عنوان یک رهگذر، حتی اگر خریدار اجناس یا خدمات آنها نباشیم می‌توانیم با رفتار خود تاثیرگذار باشیم. در ادامه برخی از این اصول رفتاری را بررسی کنیم. تمامی این مسائل بر پایه یادآوری دو اصل مهم به خودمان هستند که اولاً آنها کودک‌اند و دوماً فروشنده هستند و بر اساس این دو اصل، از نظر فعالان این حوزه و روانشناسان بهتر است با آنها بر اساس اصول زیر برخورد کنیم:

۱. هرگز آنها را برای پاسخ سؤالی که در بالا مطرح کردم یا ارضای هرگونه حس کنجکاوی سوال بیج نکنیم. آنها کودک هستند و بسیاری از سوال‌های ما ممکن است باعث به وجود آمدن چالش‌های ذهنی پیچیده در آنها شود. در اکثر موارد نیز پاسخ درست و صحیحی نمی‌گیریم پس بهتر است از این کار جدا خودداری کنیم.

۲. ممکن است در برخورد با یک کودک کار ذهنیت‌های بسیار رنج‌آور و ناراحت‌کننده‌ای در ذهنمان ایجاد شود اما نشان دادن یا مطرح کردن این ذهنیت‌ها یا هرگونه رفتار که موجب القای حس متفاوت بودن به کودک شود، منجر به آسیب‌های روانی جبران‌ناپذیری خواهد بود،

افراد کمتر از ۱۵ سال تمام (چه پسر و چه دختر) ممنوع است. بنابراین می‌توان در صورت مواجهه با کارفرمایانی که افراد کمتر از ۱۵ سال را به کار بگمارند، این موارد را گزارش داد.

همچنین باید به یاد داشته باشیم که موضوع اصلی این است که علت این کار، فقر و نیاز خانوادگی آنهاست. آنها کار می‌کنند به دلیل اینکه خودشان و خانواده‌شان به این درآمد نیاز دارند. بنابراین غالباً با اقدامات سطحی و موردی این‌چنینی نمی‌توان لزوماً کمکی به حل این مسئله کرد. راه‌های جایگزینی البته می‌توانند در نظر گرفته شوند.

به عنوان مثال شرایطی مهیا کنیم تا این کودکان بتوانند ضمن کار آسیب‌های کمتری را متوجه شوند. مثلاً، کمک به انجمن‌های حمایت از کودکان کار به صورت مالی و غیر مالی می‌تواند در ایجاد آموزش و تحصیل، تامین مالی، سلامت جسمی و روانی و ... حداقل برای بخشی از این کودکان موثر باشد. مذاکره با صاحبان کار برای کم کردن ساعات کاری این کودکان از طرق مختلف و یا تقبل بخشی از هزینه‌ها برای تحقق این مسئله می‌تواند راهکار دیگری باشد. با کم کردن ساعات کاری و حجم و سختی کار این کودکان می‌توان زمانی برای آموزش و کودکی باز کرد تا کار کودک تاثیر کمتری بر او و آینده‌اش داشته باشد. قطعاً به عنوان اشخاصی از جامعه که احتمالاً نمی‌توانیم نقش ریشه‌ای‌تری در این روند و پدیده داشته باشیم، حمایت‌های انفرادی و جمعی در حد توان و امکاناتمان، کمی به اوضاع حتی یک یا چند کودک کار کمک می‌کند و این با ارزش است.

آیا غیر از این موارد، مواردی هست که شما فکر می‌کنید باید به آنها توجه شود؟ می‌توانیم این همفکری را با هم از طریق تماس شما با نشریه و یا ارسال پیام از طریق اینستا و فیسبوک انجمن و.. داشته باشیم.

۵. برخوردهای خشونت‌آمیز یا بی‌تفاوتی، اثرات به شدت زبان‌باری روی روان این کودکان دارد و باعث کاهش بسیار زیاد اعتماد به نفس و عزت نفس آنها خواهد شد. در صورت اصرار آنها برای فروش از برخوردهای خشونت‌آمیز یا از نادیده گرفتن آنها بشدت پرهیز کنیم. کافیست به آن‌ها بگوییم که به کالایشان نیاز نداریم و از آن‌ها تشکر کنیم. همچنین با مشاهده برخورد خشونت‌آمیز افراد با این کودکان حتماً به اشخاصی که چنین رفتاری دارند تذکر دهیم و سکوت نکنیم.

۶. از صمیمیت جسمی و غیرجسمی با آنها خودداری کنیم و حتی اجازه ندهیم ما را خاله یا عمو یا... صدا کنند. ایجاد این اطمینان و باور در کودک که همه قابل اعتماد هستند آنها را نسبت به خطرات جبران‌ناپذیری مانند سواستفاده‌های جنسی، سو استفاده برای فروش‌های غیرقانونی و حتی امور مسلحانه و... مستعد و آسیب‌پذیر خواهد نمود.

۷. در صورت مشاهده‌ی کودکان کاری که در معرض آسیب جدی جانی هستند، با اورژانس اجتماعی (به شماره تماس ۱۲۳) و یا سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در این زمینه گزارش دهیم.

و اما در راستای کودکانی که درگیر کار در منزل یا کارهای خارج از منزل هستند و ما از دیدن آنها محروم هستیم:

پیشنهاد شده که صنعت‌هایی که از کار کودک استفاده می‌کنند را شناسایی و تحریم کنیم اما این سوال پیش خواهد آمد که در چه شرایط، چه مکان و چه سطحی از گستردگی این موارد می‌توان چنین برخوردی با مسئله داشت و در نهایت چقدر در راستای حل مشکل اصلی موثر خواهند بود. مطابق ماده ۷۹ قانون کار: «به کار گماردن

منابع:

انجمن حمایت از کودکان کار | انجمن حمایت از کودکان کار (apcl.org.ir)

انجمن حمایت از حقوق کودکان (irsprc.org)

10 Tips for Helping End Child Labor - Institute for Humane Education

(ilo.org) wcms\_456960.pdf



## حمایت از کودکان جز با به رسمیت شناختن هویت انسانی آنان میسر نخواهد شد.

انجمن حمایت از کودکان کار<sup>(۱)</sup> به عنوان نهادی مردمی و داوطلبانه از سال ۱۳۸۱ با مجوز رسمی از وزارت کشور مشغول به فعالیت است. انجمن توسط گروهی تشکیل شد که نسبت به کودک کار دغدغه داشتند و به دنبال آن بودند که ضمن حمایت از کودکان، مبارزه با کار کودک را به طور تخصصی پیگیری کنند. انجمن به عنوان اولین مجموعه‌ی تخصصی در زمینه‌ی کار کودک طی این سال‌ها حمایت خود را در قالب فعالیت‌های حمایتی و آموزشی بیش از ۱۳۰۰۰ کودک کار و خانواده‌هایشان، کودکان آسیب‌دیده و در معرض آسیب، به انجام رسانیده است. به رسمیت شناختن هویت انسانی کودکان و خدمات‌رسانی بدون تبعیض، اساس کار انجمن حمایت از کودکان کار است. چشم‌انداز انجمن دنیایی است که در آن همه‌ی کودکان از حق آموزش، پرورش، حمایت و سلامت برخوردار باشند. در حال حاضر انجمن با فعالیت در چهار مرکز در تهران و یک مرکز در بم، ۱۱۱۴ کودک را تحت حمایت خود دارد. در مصاحبه با خانم فرشته فرهمند حبیبی، عضو هیات امن و معاون ارتباطات انجمن، سعی شده تا با تجربیات، دستاوردها و موانع انجمن و نیز وضعیت کودکان مورد حمایت آن‌ها آشنا شویم.

به طور تقریبی بیش از صد انجمن فعال در حوزه‌ی کار کودک فعالند که عضو شبکه‌ی یاری کودکان کار هستند. انجمن حمایت از کودکان کار، به طور تخصصی در زمینه‌ی کار کودک فعالیت می‌کند و سالانه بیش از هزار کودک را تحت حمایت قرار می‌دهد و دیگر انجمن‌ها حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ کودک را تحت حمایت قرار می‌دهند. عمده‌ی بودجه‌ی انجمن‌ها از سوی مردم و شرکت‌های خصوصی تامین می‌شود و کمک اندکی (کمتر از ۱۰٪) نیز از سمت دولت می‌شود. بودجه‌ی اختصاصی برای کودکان کار در برنامه‌ی توسعه، بدین معنی نیست که این بودجه به سمن‌های متخصص و حمایت از کودک داده شود بلکه برای کارهایی مانند طرح جمع‌آوری کودکان هزینه می‌شود.

با توجه به کودکان کاری که تحت پوشش شما هستند عوامل مهمی که کودکان را مجبور به کار می‌کند بیان کنید. کار کودک ریشه در نابسامانی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دارد، بلاپای طبیعی مانند خشکسالی می‌تواند باعث کار کودک شود. کشاورزی که زمینش دچار خشکسالی شده و بدون حمایت

آیا می‌توانید آماری از کودکان کار ایران در اختیار ما قرار دهید؟ هرگونه آمار مربوط به کودکان کار ایران، حتی از سوی سازمان‌های جهانی در خصوص ایران، درست نیست. تاکنون مطالعاتی با روش توصیه شده‌ی سازمان جهانی کار که پیمایش ملی کار کودک نامیده می‌شود صورت نگرفته است. به طور تقریبی بیش از ۳۰ سمن<sup>(۲)</sup> در تهران در حوزه‌ی حمایت از کودکان کار، فعالیت می‌کنند ولی سازمان‌های بین‌المللی چند سالی است که ارتباط تخصصی با این انجمن‌ها ندارند. من می‌توانم در مورد کودکان کار مورد حمایت انجمن صحبت کنم. منظور از کودک کار، فرد زیر ۱۸ سال است که در فعالیت‌های اقتصادی درگیر شده و به طور معمول مورد آسیب و بهره‌کشی قرار می‌گیرد و متأسفانه از آموزش و دیگر حقوق اساسی، مانند امنیت، بهداشت و سلامت و ... محروم مانده است. انجمن از سال ۱۳۸۱ تا کنون به بیش از ۱۳ هزار کودک کار توانسته خدمات حمایتی و آموزشی خود را ارائه دهد.

آیا اطلاعاتی از تعداد انجمن، سمن سازمان‌های حمایت از کودکان کار و بودجه‌ی دولتی و غیردولتی وجود دارد؟

(۱) انجمن حمایت از کودکان کار (apcl.org.ir)  
(۲) سازمان مردم نهاد

است، به کلان شهرها مهاجرت می‌کند و مشغول به باربری، کولبری و... می‌شود. عوامل دیگری مانند جنگ نیز بر این امر موثر است. در کنار مشکلات اقتصادی، با شیوع کرونا نیز، برخی خانواده‌ها نیروی مولد کار خود را از دست داده‌اند و این موضوع باعث شده که کودکان بیشتری به چرخه‌ی کار سوق داده شوند. نابسامانی و نبود زیرساخت‌های حمایتی مناسب این پدیده را تشدید می‌کند، این مسئله محدود به ایران نیست. علاوه بر آن، ایران کشوری با تعداد مهاجر جنگی بالا است، نابسامانی و بی‌تعهدی کشورهای همسایه نسبت به کودکان، بر شرایط کار کودک در کشور ایران نیز تاثیر می‌گذارد.



آموزش:

اصلی‌ترین فعالیت انجمن حمایت از کودکان کار، سوادآموزی، مهارت‌آموزی، توانمندسازی و بالا بردن عزت نفس در کودکان است، چرا که موثرترین ابزار برای مبارزه با کار کودک است.



به کار هستند وابسته است.

❓ در مورد گستره‌ی فعالیت‌های انجمن، موانع و دستاوردهای آنها توضیح بفرمایید.

سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و فعالیت‌های انجمن در سه رکن انجام می‌پذیرد:

۱. حمایتی: مددکاری اجتماعی، روانشناسی، بهداشت و درمان و تغذیه
۲. آموزشی: سوادآموزی، هنرآموزی، حرفه‌آموزی، ورزش و کتابخانه و فعالیت‌های فرهنگی
۳. ترویجی: ارتباطات، اطلاع‌رسانی، روابط عمومی، جلب مشارکت‌ها و تبلیغات. ما در بخش ترویج، تریبون تمام کودکان کار هستیم نه فقط کودکان انجمن.

با توجه به شرایط ایران و امکانات موجود ما خوب کار کردیم، بعضی جاها دستمان بسته است. به نظر من حوزه‌ی ترویج، جایگاه خود را ندارد. در این حوزه، اگر بخواهیم نهایت کار کودک را نشان دهیم، نمی‌توانیم. منافع کودک برای ما از مزایای ترویج مهم‌تر است و نمی‌خواهیم که حقوق و عزت نفس کودکان مخدوش شود. کودکان بسیاری از انجمن ما در بزرگسالی، افراد موفق شده‌اند، موفق به این معنی که راه و چاه زندگی خود را پیدا کرده‌اند ولی نمی‌خواهیم که ایشان را جلوی دوربین بیاوریم و به عنوان نمونه معرفی کنیم. همچنین اولویت‌بندی امکانات به گونه‌ای است که عمده‌ی آن صرف حمایت مستقیم از کودک و هزینه‌های جاری انجمن می‌شود و سهم اندکی برای ترویج می‌ماند.

بزرگترین نقطه ضعف ما، نداشتن منابع مالی پایدار است که به ما بسیار آسیب می‌زند و بیشتر باعث می‌شود که ما نیروهای متخصص و زنده را از دست بدهیم. شرافت انسانی نیروهای انجمن، بزرگترین سرمایه‌ی انجمن است که پای بچه‌ها ایستاده‌اند و علیرغم تمام مشکلات و کمبودها و یا اختلاف سلیقه‌ها، روند حمایت از کودک آسیب را مختل نکرده است. از جمله دلایل موفقیت انجمن، شفافیت مالی است. ما خودمان تصمیم گرفتیم توسط موسسات حسابرسی مستقل قسم خورده، حسابرسی مالی شویم و گزارش مالی حسابرس و صورت‌های مالی را در سایت رسمی انجمن را منتشر می‌کنیم.

❓ عمده‌ی مشکلات و موانعی که در انجام فعالیت‌هایتان، به آن‌ها برخوردید چه چیزهایی بودند؟

کمبود منابع مالی، برنامه‌های حمایتی ما را متاثر می‌کند. از دست

❓ کودکان کار بیشتر چه کارهایی را انجام می‌دهند و چقدر درآمد دارند؟

ما با انواع کار کودک روبرو هستیم، کودکان در خانه، کارگاه‌های زیر ده نفر، زمین‌های کشاورزی، بندرها کار می‌کنند، همچنین با کودک زباله‌گرد، کودک کار جنسی، دستفروش و متکدی مواجه هستیم. به طور کلی درآمد کودکی که در خیابان کار می‌کند، از کسانی که در کارگاه‌ها مشغول هستند، بیشتر است. بچه‌هایی که اقامت قانونی ندارند، به خاطر نگرانی از دستگیری، بیشتر در محیط‌های کارگاهی و بسته کار می‌کنند. بچه‌هایی که در خیابان کار می‌کنند، بیشتر در معرض آزار، توهین و تحقیر توسط مردم هستند. میزان درآمد کودکان کار به نوع پیشه و زمانی که مشغول



غیردولتی بسیار دورد و تشکل‌ها با توجه به نوپا بودنشان هنوز از بنیه‌ی چندانی برخوردار نیستند. اما با همین توان اندک، با مطالبه‌گری مستمر، موفق به برداشتن گام‌های موفقیت‌آمیزی شده‌اند که شمایی کلی از آن‌ها به شرح زیر هستند. هر چند در اجرا با وضعیت ایده‌آل فاصله دارند اما مسیر گام برداشتن و مطالبه‌گری در این حوزه مسیر درستی بوده است:

۱. صدور دستور موسوم به «طرح فرمان» که به موجب آن همه‌ی کودکان غیرایرانی، اعم از قانونی و غیرقانونی به صرف کودکان‌شان می‌توانند بدون داشتن کارت اقامت تحصیل کنند.

۲. گنجاندن بندی در خصوص تاکید بر کاهش تعداد کودکان کار در کشور در برنامه‌های پنج‌ساله‌ی توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی کشور  
۳. اختصاص سهمی از بودجه‌ی مصوب کشور به کاهش آسیب‌ها و حمایت از کودکان کار

۴. تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان توسط مجلس که در پی پیگیری‌ها و مطالبه‌گری‌های تشکل‌های غیردولتی و نیز اهتمام دستگاه‌های ذیربط دولتی در بازنگری‌های آن، سرانجام به نتیجه رسید و برای تهیه‌ی آیین‌نامه‌های اجرایی به دستگاه‌های ذیربط ابلاغ شد.  
۵. شکل‌گیری مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک، به عنوان یکی از نهادهای وزارت دادگستری

❓ فعالیت‌های مجموعه را چه کسانی انجام می‌دهند؟ کارمندان؟ داوطلبان؟

انجمن برای ارایه‌ی خدمات حمایتی و آموزشی خود به بیش از هزار کودک، حدود ۸۰ کارمند دارد. البته کارمند که چه عرض کنم! ما حداقل حقوق تعیین شده از سوی وزارت کار برای یک پیشه‌ی سخت که سختی کار باید به آن تعلق بگیرد را به دلیل وضعیت بد مالی دیر پرداخت می‌کنیم و این نیرو خود به خود نیمه‌داوطلب است. ما نیروهایی داشتیم که به دلیل شرایط مالی، با اینکه انجمن و فضای کاری آن را بسیار دوست داشتند مجبور به ترک کار شدند.

حمایت از کودکان کار در زمینه‌ی آموزشی و حمایتی نیازمند نیروی متخصص است. با توجه به نظم برنامه‌های اجرایی در انجمن داوطلبان در زمینه‌ی تخصصی منهای هنر، حرفه و ورزش، باید ساعات مشخصی را روزانه برای کودکان در مراکز حضور داشته باشند که نیروهای داوطلب نمی‌توانند به صورت مداوم این شرایط را روزانه اجرا کنند. لذا انجمن طی این نوزده سال با استخدام نیروهای متخصص، پرداخت هزینه برای مکان‌های استیجاری، امکانات

دادن نیروی با تجربه به دلیل دستمزد ضرر بزرگی است که به راحتی جبران نمی‌شود. در طی این مدت فعالیت، نوع تعامل با سازمان‌های دولتی به گونه‌ای بوده که شناخت کافی نسبت انجمن دارند. آنها می‌دانند که ما با حسن نیت و نگاه تخصصی، حقوق کودک را مطالبه می‌کنیم. البته چالش و سختی هم داریم. وقتی مسئولی با نگرش و تصمیم‌های خود، کار مددکار ما را بی‌اثر می‌کند، ممکن است وی بی‌انگیزه و ناامید شود. وقتی حق آموزش رایگان وجود دارد، چرا ما باید برای ثبت‌نام بچه‌ها هزینه پرداخت کنیم. البته خیلی از موانع با مطالبه‌گری ما رفع شده‌اند.

❓ با توجه به هدف مجموعه که خروج کودکان از چرخه‌ی کار است چند درصد از کودکان توانسته‌اند از این چرخه خارج شوند؟ چگونه این مهم محقق شده است؟

متأسفانه به دلیل فشار کار اجرایی انجمن هیچ وقت نتوانستیم به صورت متمرکز پژوهش مناسبی در این زمینه به انجام برسانیم ولی انجمن در این مهم با حمایت مستقیم و فرهنگ‌سازی، نقش موثری را ایفا کرده است. وقتی انجمن با خانواده و یا کارفرمای بچه صحبت می‌کند که مدت مشخصی در انجمن درس بخواند و به لحاظ جسمی، روحی، تغذیه و بهداشت تحت نظارت انجمن است و با حضور وی در مراکز حمایتی انجمن ساعت کارش کاسته می‌شود، غیرمستقیم بر کاهش کار کودک موثر بوده است. ما شاهد اتفاق بسیار موثری بودیم که بسیاری از کودکان کار، با حضور در انجمن و آموزش‌هایی که دیدند، مانع از کار کردن خواهر و برادرهای کوچکترشان شدند. ما سعی کردیم با تغییر نگرش کودک وی را آگاه کنیم. حتی برخی خود کارفرمایان در اثر صحبت مددکاران، به تحصیل کودک کمک کرده‌اند. علاوه بر آن، انجمن با آموزش کودکان، آن‌ها را توانمند می‌کند و کودک می‌داند که اگر الان مجبور به یادویی در یک کارگاه است، می‌تواند با درس خواندن و مهارت‌آموزی این وضعیت را تغییر دهد. در برخی موارد مددکار تشخیص می‌دهد که بنا به شرایط کودک، وی نباید کار کند. در این حالت، انجمن با تعریف حامی، درآمد وی را به خانواده پرداخت و کودک را به طور کامل از چرخه‌ی کار خارج کرده و نظارت مستقیم بر خانواده داشته تا کودک به کار باز نگردد.

❓ انجمن‌های حمایتی برای کودکان کار چه تاثیری بر سیاست‌های کلان اجتماعی کشور داشته‌اند؟  
قانون تصمیم‌سازی به گونه‌ای است که از دسترس تشکل‌های

به محض ورود، با مددکار اجتماعی ارتباط دارد، مددکار ضمن بازدید از خانه و محیط کار وی، با تشکیل پرونده‌ی مددکاری اجتماعی، مشاهدات و در نهایت نظر کارشناسی خود را ثبت می‌کند. میزان درآمد، تعداد نفرات و وضعیت خانوادگی در پرونده ثبت می‌شود. علاوه بر کودک، خانواده‌ی وی نیز تحت نظارت و برخی حمایت‌های انجمن قرار می‌گیرند.

❓ آیا خانواده‌های کودکان با انجمن همکاری و تعامل دارند؟

در ابتدای شروع فعالیت‌مان، بسیار سخت بود و نمی‌گذاشتند که بچه‌ها سر کلاس درس بیایند، یا آموزش‌ها را مغایر با فرهنگ و ذهنیت خودشان می‌دانستند. انجمن با مقاومت، آموزش و فرهنگ‌سازی، رفته رفته به عنوان پایگاه حمایتی در منطقه‌های فعالیت شناخته شد و خود خانواده‌ها به ما مراجعه و با انجمن همکاری می‌کنند.

❓ انجمن در جهت آموزش مردم برای مقابله با کار کودک چه اقداماتی کرده است؟

ما باید با آموزش و آگاهی‌رسانی، جامعه را با کودکان کار آشنا و حقوق کودکان را از سازمان‌های مربوطه مطالبه کنیم. انجمن با انتشار خبرنامه و ویژه‌نامه‌های داخلی خود، ساییت، شبکه‌های اجتماعی، برگزاری نشست‌های تخصصی، برگزاری دوسالانه‌ی هنری، انتشار کتاب، برگزاری نمایشگاه از آثار کودکان، ارتباط با اهالی رسانه و ... در طی این

**صدر دستور موسوم به «طرح فرمان» که به موجب آن همه‌ی کودکان غیرایرانی، اعم از قانونی و غیرقانونی به صرف کودکان می‌توانند بدون داشتن کارت اقامت تحصیل کنند.**



نوزده سال تلاش بسیاری برای تولید محتوا و ادبیات در حوزه‌ی مبارزه با کار کودک داشته است.

با تمام این تلاش‌ها هنوز هستند افرادی که کار کودک را ننگ نمی‌دانند. برخی افراد کودکان کار را به عنوان کودکان خیابانی می‌شناسند. برخی

آموزشی، نیروی آموزشی، مددکاری اجتماعی، روانشناسی و بهداشت و درمان، شرایط حضور در مراکز حمایتی را برای کودکان کار، کودکان آسیب دیده و در معرض آسیب فراهم آورده است.

**ما شاهد اتفاق بسیار موثری بودیم که بسیاری از کودکان کار، با حضور در انجمن و آموزش‌هایی که دیدند، مانع از کار کردن خواهر و برادرهای کوچکترشان شدند.**



یک نکته‌ی دیگر این که از اواخر دهه‌ی هشتاد، افسردگی بین فعالان اجتماعی شایع شد و کمتر به کارهای میدانی رو می‌آوردند و وقت کمتری برای این فعالیت‌ها می‌گذاشتند. متأسفانه مشکلات اقتصادی و اجتماعی جامعه‌ی ما و به تازگی نیز شیوع کرونا، حضور نیروهای داوطلب را کم‌رنگ کرده است. علیرغم همه‌ی مشکلات، داوطلبان بسیاری در بخش ترویج و آموزش (حرفه، هنر و ورزش) انجمن را یاری می‌کنند.

❓ داوطلبان چگونه می‌توانند با انجمن همکاری داشته باشند و به چه مهارت‌هایی نیاز دارند؟

داوطلب پس از پرکردن فرم همکاری در وبسایت و شرکت در جلسه‌ی معارفه، بر اساس توانمندی‌ها، تجربه و زمانی که برای انجمن اختصاص می‌دهد، به معاونت‌های آموزشی و اجتماعی و ارتباطات معرفی می‌شود. افراد متخصص برای فعالیت‌ها در نظر گرفته می‌شوند. مثلاً برای کلاس نقاشی، به طور حتم مربی نقاشی در نظر گرفته می‌شود. ارتباط با کودک بسیار حساس و پیچیده است و فرد باید به این مهم آگاه باشد و بسیاری از موارد را در طول فعالیت در انجمن فرا می‌گیرند. انجمن با نگاه مددکارانه، نسبت به حقوق کودک و حفظ حریم وی بسیار جدی است.

❓ به چه شکلی کودک کار تحت حمایت انجمن قرار می‌گیرند؟  
مراجعه به انجمن از سه کانال صورت می‌گیرد؛ خود مراجعه، معرفی از سوی سازمان‌ها و مردم و یا مددکار کودک را جذب می‌کند. کودک



صورت موردی، هزینه‌ی جراحی به صورت موردی، تامین داور، حضور پزشکان داوطلب برای ویزیت کودک و خانواده و ... انجمن در کنار کودکان قرار گرفته است. بیشتر خانواده‌ها در خانه‌های حیاط دار که چند اتاق دارند، زندگی می‌کنند. تمام خانواده در یک اتاق زندگی می‌کنند که این خود می‌تواند برای کودک بسیار آسیب‌زا باشد. این موارد بسیار به فرهنگ و پیشینه‌ی خانواده‌ها بستگی دارد.

❓ آیا آماری وجود دارد که وضعیت تحصیلی کودکان کار را نشان دهد؟ چند درصد هیچ امکان تحصیلی ندارند؟

پیش از این هم اشاره کردم که به دلیل عدم وجود زیرساخت پژوهشی استاندارد و لازم هرگونه آماری که مورد وثوق باشد در زمینه‌ی کودکان کار متأسفانه وجود ندارد. ممکن است برخی بچه‌ها را به دلایل مختلف مانند نداشتن شناسنامه، کبر سن و ... نتوانیم در مدرسه ثبت‌نام کنیم. برای این عزیزان، انجمن طی این سالیان با فراهم‌سازی شرایط که به آن اشاره کردم موقعیت تحصیلشان را فراهم می‌کند. وقتی که کودک

**مسئولیت‌های اجتماعی باید از حالت شوآف خارج شود و به طور جدی پیگیری شود. مادامی که ما به‌عنوان شهروندان یک جامعه نسبت به کار کردن کودکان موضع نداشته باشیم و به‌طور مثال وقتی یک کودک، بسته‌ی سنگین را از سوپرمارکت به ما تحویل دهد و یا در رستورانی می‌رویم که کودک در آن کار می‌کند و با کارفرمایان، خانواده و مسئولان ذیربط هیچ واکنشی نداشته باشیم، این قصه‌ی تلخ ادامه دارد.**



از مناطق فعالیت ما مهاجرت کند، به طور کامل از دست ما خارج شده و بازمانده از تحصیل می‌شود.

❓ با توجه به تجربه‌ی فعالیت انجمن در تهران و بم، آیا امکان مقایسه از وضعیت و روند کار کودکان در تهران و بم وجود دارد؟

رسانه دارها این ذهنیت که کودکان کار متعلق به باند و گروهی هستند که موضوعی اشتباه است را ترویج می‌دهند. مسئولیت‌های اجتماعی باید از حالت شوآف خارج شود و به طور جدی پیگیری شود. مادامی که ما به عنوان شهروندان یک جامعه نسبت به کار کردن کودکان موضع نداشته باشیم، به طور مثال وقتی یک کودک، بسته‌ی سنگین را از سوپرمارکت به ما تحویل دهد و یا در رستورانی می‌رویم که کودک در آن کار می‌کند و با کارفرمایان، خانواده و مسئولان ذیربط هیچ واکنشی نداشته باشیم، این قصه‌ی تلخ ادامه دارد. مقابله با کار کودک، نگاه تخصصی و عزم جدی و همگانی می‌طلبد.

❓ لطفا در مورد وضعیت کار کودکانی که شناسنامه ندارند، توضیح بفرمایید. آیا شرایط آنها متفاوت از بقیه‌ی کودکان است؟ کسی که شناسنامه ندارد، از ابتدایی‌ترین حقوق خود محروم است. هویت ندارد. در سن کودکی که باید پرورش استعداد او اتفاق بی‌افتد از هر آموزشی محروم می‌ماند. کودک در مدرسه ثبت‌نام نمی‌شود، بیمه ندارد و در عمل زندگی متوقف می‌شود. بچه‌های ورزشکار مستعدی داشتیم که به این علت، نتوانستیم در تیمی ثبت‌نامشان کنیم. چند سال پیش یکی از بچه‌های بدون شناسنامه فوت کرد، ما نمی‌توانستیم جنازه را از سردخانه تحویل بگیریم! با گرو گذاشتن شناسنامه‌ی یکی از همکاران، جنازه‌ی کودک را تحویل گرفتیم. پیش از تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان گرفتن شناسنامه بسیار سخت و هزینه‌بر بود. با مطالبه‌گری انجمن‌ها و تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، گرفتن شناسنامه آسان‌تر شده است. علاوه بر آن، ما تلاش و مقاومت می‌کنیم که کودک بدون شناسنامه، باید به مدرسه برود و از حق طبیعی آموزش برخوردار باشد. با مطالبه‌گری ما و پس از صدور «طرح فرمان»، بچه‌ها می‌توانند سر کلاس بروند، هر چند ما باید برایشان هزینه پرداخت کنیم.

❓ وضعیت خانوادگی، اسکان و درمان کودکان به چه شکل است؟ بچه‌ها به طور عمده از خانواده‌های پرجمعیت و مهاجر داخلی و خارجی، هستند. انجمن با آموزش و ارائه‌ی امکانات بهداشتی، وضعیت را ارتقا داده ولی همچنان در برخی خانواده‌ها سطح بهداشت پایین است. در بخش بهداشت و درمان هم، تا حد امکان در کنار کودک و خانواده‌اش هستیم. خدماتی مانند بینایی سنجی، شنوایی سنجی، واکسیناسیون، مقابله با شپش، انجام آزمایشات به

برای برطرف کردن آن نباشد این چرخه‌ی معیوب، کودکی بسیاری از کودکان را از آنها می‌گیرد.

❓ با سپاس از وقت و اطلاعاتی که در اختیار ما قرار گذاشتید، اگر نکته‌ای مدنظر شما هست، بفرمایید.

یکی از افتخارات ما، مردمی و مستقل بودن مان است. سعی می‌کنیم با نگاهی انسانی و علمی، و به دور از حاشیه و جنجال، فقط به کودکان کار فکر کنیم و با مطالبه‌گری سالم به فعالیت می‌پردازیم. ما ۶۱ سال برای تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان تلاش کردیم و همچنان با مقاومت و مطالبه‌گری، امیدواریم که همگی کودکان از حق آموزش، پرورش، حمایت و سلامت برخوردار باشند. ما اعتقاد داریم جهانی شایسته‌ی همگان خواهد بود که کودکان از حقوق اساسی خود بهره‌مند هستند و از همگی می‌خواهیم برای مبارزه با کار کودک، به این جنبش بپیوندند و همراه ما صدای کودکان کار باشند.

پس از زلزله‌ی سال ۱۳۸۲، بم شرایط بسیار بدی تجربه می‌کند. متأسفانه شهر بم احیا نشده است و ما شاهد چادرنشینی و رشد سکونت در خانه‌های حلبی و یا بلوکی در بیابان‌ها هستیم. حیوانات ولگرد، کودکان را زخمی می‌کنند، برق و سیستم آب و فاضلاب ندارند. بم در مسیر ترانزیت مواد مخدر است. اعتیاد کودکان در بم مسئله‌ی خیلی مهمی‌ست که بسیاری با آن درگیر هستند. شهر بسیار افسرده و غمگین است. شهر پارک ندارد و انجمن سعی می‌کند با برگزاری جشن‌ها و مراسم‌های مختلف، روحیه‌ی بچه‌ها را بهتر کند. یکی از موفقیت‌های انجمن، آموزش نیروهای بومی بم بوده است. همکاران ما در بم، خانم‌هایی هستند که بسیار شجاعانه در مناطق پرخطر فعالیت می‌کنند. نیروهای بومی با آگاهی و شناخت از فرهنگ و با عشقی که به فعالیت خود دارند و در کنار آموزش از سوی انجمن، بسیار مفید و موثر هستند. هم در تهران و هم در شهر بم به صورت کلی متأسفانه کار کودک افزایش یافته است و مادامی که روی ریشه‌های کار کودک عزمی جدی



خدمات انجمن معطوف به توانمندسازی اقتصادی و فرهنگی خانواده در بی‌نیاز شدن از درآمد کودکان کار و توانمندشدن کودک در مقابله با آسیب‌های ناشی از کار است.





## یادداشتی حقوقی بر کار کودک



هنرمندان بلوچ  
BaluchArtists

مهسا روبین تن

مطابق اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی ایران، معاهده‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی و امضای ریاست جمهوری برسند و پس از طی کردن این مراحل در حکم قوانین داخلی هستند. طبق ماده اول کنوانسیون حقوق کودک سال ۱۹۹۰ که ایران نیز بدان پیوسته است، کودک به کلیه افراد زیر هجده سال اطلاق می‌شود. مگر بلوغ یک کودک قبل از هجده سالگی به اثبات برسد.

**مطابق با ماده ۹۶ قانون کار، وظیفه نظارت بر اجرای این قوانین بر عهده اداره کل بازرسی وزارت کار و امور اجتماعی است.**



کار کودکان از منظر حقوق ایران:

باید در نظر داشت نه تنها قانون کار، به کار گماشتن افراد زیر پانزده سال را ممنوع کرده، بلکه کار نوجوان پانزده تا هجده ساله را هم منوط به معاینات پزشکی و تاییدیه پزشک جهت تناسب کار با توانایی‌های نوجوان دانسته است. ساعات کاری این نوجوانان باید نیم ساعت

برای پرداختن به موضوع کار کودکان از منظر قوانین داخلی و بین‌المللی بهتر است ابتدا تعریف این قوانین از کودک و سپس قوانین و ضمانت اجرای آنها را مطالعه کنیم.

کودک کیست؟

در قوانین داخلی ایران تعاریف متعددی برای کودک وجود دارد. مثلاً وقتی صحبت از ازدواج در قانونی مدنی می‌شود حداقل سن ازدواج دختران سیزده و حداقل سن ازدواج برای پسران پانزده سال در نظر گرفته شده است. از طرف دیگر، طبق قانون مجازات اسلامی دختران و پسران نه تا پانزده سال نیز فارغ از مسئولیت کیفری نیستند و در صورت ارتکاب جرم متناسب با سن و جرم ارتكابی تنبیهاتی برای آنها در نظر گرفته شده است. بنابراین ارایه تعریف کودک از منظر قانون ایران ساده نیست. با این حال، قانون کار تصریح می‌کند به کار گماردن افراد زیر پانزده سال تمام ممنوع است. این اطلاق و صراحت ماده قانونی جایی برای شک و تردید باقی نمی‌گذارد که این قانون سن پانزده سالگی را حداقل سن قانونی کار دانسته است. حتی به موجب همین قانون امکان کارآموزی برای افراد زیر پانزده سال نیز وجود ندارد.

بهبودی کشور، وزارت کشور، نیروی انتظامی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌باشد.

کار کودکان از منظر قواعد بین‌المللی:

ایران از سال ۱۳۷۲ به کنوانسیون حقوق کودک ملحق شده است. بنابراین این کنوانسیون مانند سایر قوانین داخلی از این زمان لازم‌الاجرا بوده و ضمانت اجرایی دارد.

بر اساس ماده ۳۲ این کنوانسیون، کشورهای امضاکننده باید جهت جلوگیری از بهره‌کشی اقتصادی از کودکان و حمایت از رشد جسمی، فکری و روحی آنان، حداقل سنین کار، شرایط آن و مجازات متخلفین را در قوانین داخلی خود تعیین نمایند. همان‌طور که بحث شد این موارد همواره مورد توجه قانون‌گذار ایران بوده و هست.

**طبق ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، بعد از والدین، وضعیت نظارت و پیگیری کودکان و نوجوانان در معرض خطر بر عهده قوه قضاییه، سازمان بهزیستی کشور، وزارت کشور، نیروی انتظامی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌باشد.**



با توجه به قوانین داخلی و بین‌المللی، کار و به خصوص کار زبان آور به عنوان انجام یک فعالیت مداوم اقتصادی برای افراد زیر هجده سال در ایران ممنوع است و برای سوءاستفاده‌کنندگان، مجازات‌هایی را نیز در پی دارد. اما چرا با وجود این دسته از قوانین، کودکان بسیاری در شهرهای مختلف ایران به کار گماشته می‌شوند؟ این معضل اجتماعی مانند هر معضل اجتماعی دیگری علل متعددی دارد. از دلایل اقتصادی مثل مشکلات مالی خانواده‌های این کودکان، تا دلایل اجتماعی مثل مهاجر بودن برخی از این کودکان. از حیث حقوقی در این خصوص می‌توان دو ایراد مهم را مطرح کرد. اول، مجازات‌ها و ضمانت اجرای به کارگیری کودکان در فعالیت‌های اقتصادی چندان سختگیرانه و بازدارنده نیست. دوم، حاکی از آن است که مجریان قانون و دستگاه‌های نظارتی مربوطه، وظایف خود را در این باره به درستی انجام نمی‌دهند و روند اجرای قانون مشکلات عدیده‌ای دارد.

کمتر از بزرگسالان باشد. هم چنین ارجاع کارهای اضافی، کار در ساعات شب و یا کارهای سخت و زیان‌آور به نوجوانان نیز غیرقانونی تلقی می‌گردد. از این لحاظ تفکیکی بین کارآموزی و کار نوجوانان وجود ندارد.

مطابق با ماده ۹۶ قانون کار، وظیفه نظارت بر اجرای این قوانین بر عهده اداره کل بازرسی وزارت کار و امور اجتماعی است.

اما سوالی که در این باره مطرح می‌شود این است که قانون‌گذار چه مجازاتی برای تخطی از این قانون در نظر گرفته است؟  
۱- یکی از مجازات‌هایی که در این قانون برای متخلفین در نظر گرفته شده است، تعطیلی و پلمپ کارگاه متخلف است. اما کم و کیف آن به نهادهای مربوطه واگذار شده است.

این ابهام امکان سواستفاده را برای افراد فراهم می‌کند و بهتر می‌بود قانون صراحتاً و دقیقاً، شرایط و مدت پلمپ را قید می‌نمود.

۲- مجازات‌های دیگری که برای این جرم در ماده ۱۷۵ قانون آمده است بدین شرح هستند:

- برای ۱ تا ۱۰ نفر، ۳۰ تا ۱۰۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر.
- برای ۱۰۰ نفر نسبت به مازاد ۱۰ نفر، ۱۰ تا ۳۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر.
- برای بالاتر از ۱۰۰ نفر نسبت به مازاد ۱۰۰ نفر، ۵ تا ۱۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر.

- در صورت تکرار تخلف، متخلفان مذکور به ۱.۱ تا ۱.۵ برابر حداکثر جرائم نقدی فوق و یا به حبس از ۹۱ روز تا ۱۲۰ روز محکوم خواهند شد.

۳- به علاوه، مطابق قانون کار، قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی در صورتی که کارگر آسیب ببیند پرداخت کلیه خسارات وارده بر عهده کارفرما خواهد بود.

۴- همچنین ماده ۱۵ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، مجازات حبس درجه شش یعنی از شش تا دو سال را برای جرم بهره‌کشی اقتصادی در کنار سایر مجازات‌های قانون کار در نظر گرفته است. بهره‌کشی اقتصادی به موجب بند ۱ ماده ۱ قانون مجازات اسلامی، یعنی به کارگیری غیرقانونی طفل و نوجوان و یا وادار کردن یا گماردن او به کار یا خدمتی که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی با نظر به وضعیت طفل و نوجوان برای وی مضر یا خطرناک باشد.

طبق ماده ۶ قانون مذکور، بعد از والدین وضعیت نظارت و پیگیری کودکان و نوجوانان در معرض خطر بر عهده قوه قضاییه، سازمان



## قیصر

آصفه غدیری بیدهدنی

نوشته‌ی زیر خاطره‌ای واقعی می‌باشد که در سال ۱۳۹۶ برایم اتفاق افتاد.

موبایلم را درآوردم و عکس‌هایم را نشانش دادم، عکس چادری‌های آبی، توی خیابان‌های خاک‌آلود کابل و دورتر، کوه‌های خانه‌پوش و آدم‌های خانه به دوش و ترافیک سنگین ماشین‌های خارجی. چشم‌هایم گرد شد و بعد زل زد به صورتم. دنبال نشانه‌های آشنا می‌گشت.

پرسید: افغان استی؟

دهانم باز شد که نه را بگویم اما قبلش آن شیطنت کوچک بی‌ضرر سراغم آمد. چه فرصتی، دیگر و کی پیش می‌آمد برای هم‌کلامی و شنیدن قصه‌ی یکی از میلیون‌ها کودک آواره‌ی کار؟

- آره. چند سالیه اینجا زندگی می‌کنم. دانشگاه میرم. برگشته بودم خانواده‌م رو ببینم. گشنه‌ای؟ چیزی می‌خوری؟

لبخند زد و نه‌ای گفت که فهمیدم تعارف بود. به سمت دکه راه افتادیم و قصه شروع شد. قصه‌ای که تلخی از جادویش کم نمی‌کرد.

اسمش قیس بود و یکی از ساکنان کوه‌های کابل. جایی که زمین خدا بود و قیمت نداشت. هر کسی می‌توانست بیل و کلنگ بردارد و با هر ماده و مصالحی که زورش و پولش رسید، چهارتا دیوار بالا برده و سقفی رویش عَلم کند و اسمش را خانه بگذارد. حالا درست که خبری نه از لوله‌کشی آب و فاضلاب بود و نه از برق، گاز و تلفن هم پیشکش، اما اسمش که خانه بود. می‌شد زمستان‌های برفی را با سوزاندن زباله‌ای که "لالای خُردش" (برادر کوچکش) جمع کرده بود گرم کرد و خدا را شکر، همان برف روی بام را می‌شد برای خوردن و آشپزی و مصارف دیگر آب کرد و لازم نبود مثل تابستان، کوه را پایین بیایند تا از جوب کف خیابان، یا اگر اقبالی بود و کتک نمی‌خوردند از شیر آب حیاط مسجد، دبه پلاستیکی‌شان را پر کنند و باز کوه را بالا بروند.

- پس چرا اولش اسمت رو گفتی قیصر؟

- ای ها که نمی‌دانن قیس اسم می‌باشه. خنده مکن.

تند تند راه می‌رفتم که دنبالم نکند. دلم نمی‌خواست حرف تندتی بهش بزنم که بیشتر ناراحت شود. همین که در هفت هشت سالگی دست‌فروشی می‌کرد کافی بود. اما چاره‌ای نداشتم. شنیده بودم که این بچه‌ها هرچه کار کنند یا خرج مصرف والدین‌شان می‌شود یا به جیب کس دیگری می‌رود. که کمک مالی نکردن بهترین کمک است و گاهی دادن خوراکی برای رفع ضعف و گرسنگی، و بیشترش از ما ساخته نیست.

چشم گرداندم و اطراف را دیدم. ماه رمضان و تلاقی سختش با تابستان‌های گرم و خشک تهران، کف داغ پارک لاله که انگار حرارت از آن بیرون می‌زد و آن چند ساعت کشدار که تا افطار مانده بود، یادم آورد که هیچ جایی جز سوپرمارکت‌ها و شاید دکه‌ی پارک باز نیست. بچه هم که بی‌خیالی حالی‌اش نمی‌شد. به خاطر کوچکی پاهایش مجبور بود بدود تا از قدم‌های من جا نماند و همچنان با نفس‌های بریده بریده می‌گفت: خاله! یکی بخر!

یکهو ایستادم اما جا خورد. با تردید نزدیکم شد و پارچه‌ای که دستش بود را باز کرد به خیال اینکه شاید بخرم. ندیده‌گفتم نمی‌خوام. بچه‌ی کجایی؟

گفت قلعه حسن خان.

دروغ می‌گفت. سه ماهی می‌گذشت که از کابل برگشته بودم. از آن سفر عجیب، که قبلش شنیده بودم می‌گفتند: نرو، می‌میری! و واقعا هم مُردم. آن سفر را رفتم و آدم دیگری برگشتم. هنوز آنقدری از آن روزها نگذشته بود که لهجه‌ی بچه‌های آنجا را فراموش کرده باشم. احتمالاً از آمدن پسرک هم آنقدری نگذشته بود که تقلید لهجه‌ی اینجا را یاد گرفته باشد.

- اسمت چیه؟

- قیصر

- حالا چرا قیصر؟ می‌شناسیش؟ می‌دونی کیه؟

- نی خاله نی. دختر کاکا جانم (دخترعموجانم) گفت ای اسم تو باشه. می‌دانش. کی است ای قیصر؟

به دکه رسیدیم که بسته بود. راه افتادیم سمت بیرون پارک، خیابان کارگر شمالی که چند سوپرمارکت اطرافش بود. قیس ده سالش بود. می‌گفت نمی‌داند چند خواهر و برادر دارد و می‌دانستم راست می‌گوید. چند تایی را، که از وقتی به دنیا آمده بود اینجا و آنجا کار می‌کردند، هیچ‌وقت ندیده بود. یکی‌شان توی پارچه‌فروشی‌ای در کراچی پاکستان کار می‌کرد و یکی خوش‌شانس بود که در یکی از شهرهای آذربایجان پاکبان شده بود. حالا هم که دو سالی اینجا بود و نمی‌دانست، شاید هم خواهر یا برادر جدیدی برایش پیدا شده باشد! دو سالی را قبل از آمدنش، تک و توک مکتب رفته بود. هفته‌ای چند روز که هم‌زمان به کاری که می‌گفت در تعمیرگاه ماشین بود هم برسد. راضی بود چون به قول خودش "نان و پنیر بلد بود بنویسد!"

- خوب چی شد که سر از اینجا درآوردی؟ خونه و مملکت خودت بهتر نبود؟ کار تو تعمیرگاه ماشین، که یک چیزی هم یاد می‌گرفتی بهتر نبود؟

بعد از گاز زدن به کیکی که بالاخره از مغازه‌ای که باز بود خریده بودیم، گفت که بعد از مهاجرت هم‌زمان دو پسرعمویش، که قبلا حاشیه‌ی تهران زندگی می‌کردند و حالا به "جرمنی" رفته‌اند، آمده که هم شانسی خودش برای یک زندگی جدید امتحان کند و هم جای آنها را در خانه‌ی

"کاکا جانم" که پینه دوز بود پر کند. خودش هم در کنار ساختن چیزهایی که می‌فروشد، شب‌ها وصله و پینه‌ی کفش یاد می‌گیرد.

تازه توجهم جلب شد به پارچه‌ای که پیچیده بودش به هم و مثل بقچه حملش می‌کرد. پرسیدم چی می‌فروشی و پولش رو چی کار می‌کنی؟ روی نیمکت که نشستیم پارچه را باز و بین من و خودش پهن کرد. پر از سنگ‌های کوچک و تقریباً تختی بود که با دخترعمویش رویش نقاشی کرده و چیزی نوشته بودند. قرار بود قیصر پولش را، بعد از اینکه خرج زندگی‌اش را از روی آن برداشت تا سربار خانواده‌ی آنها نباشد، بفرستد برای خانواده‌ی کوه‌نشینش که خرج زندگی خردترها بشود. کمکی برای پدرش که کارگر روزمزد بود.

سنگ‌ها را دانه به دانه نگاه می‌کردم که یکی بخرم. همه‌ی حرف‌هایی که درباره‌ی خرید نکردن از بچه‌های کار شنیده بودم حالا بی‌معنی بود. پای قصه‌ی آدم‌ها که بنشینند، هیچ دوتایش هم شبیه هم نیست. اینجا نه خبری از اجاره کردن بچه‌ها و پولشان بود و نه والد معتاد. فقط تعداد بالای شکم‌هایی بود که باید سیر می‌شد. حالا شاید از بی‌فکری پدر و مادرشان، اما گناه بچه‌ها چه بود؟

سنگی که رویش نوشته بود "شب‌هایی که دوستت دارم را نمی‌گویی با قرص می‌خواهم" را خریدم و فکر کردم هیچ چیز این زندگی اتفاقی نیست.

- یک روز که بزرگ شدی می‌فهمی چرا اسمت شد قیصر...





## همراهان بدون مرز در سه‌ماهه‌ی دوم ۲۰۲۱

در این سلسله گزارش‌ها به طور خلاصه روند اجرای طرح‌های مصوب انجمن، میزان همیاری‌ها و وضعیت کلی انجمن در سه ماهه‌ی گذشته‌ی میلادی را به اطلاع خوانندگان عزیز می‌رسانیم. امید است که این گزارش‌ها و آمارها به شفافیت بیشتر عملکرد انجمن منجر شود و همراهان عزیز را بیش از پیش از اخبار، روند و رویکرد انجمن آگاه سازد. لازم به ذکر است که این گزارش، خلاصه‌ایست از آنچه در سه ماهه گذشته انجام شده و جزییات دقیق هر طرح، از طریق وبسایت و صفحات شبکه‌های مجازی انجمن در اختیار همراهان عزیز قرار می‌گیرد. همراهان عزیز می‌توانند با مراجعه به وبسایت، از تمامی اخبار، طرح‌ها و فعالیت‌های انجمن آگاه شوند. همچنین، امکان همیاری مالی منظم و موردی، از طریق درگاه اینترنتی فراهم است. با توجه به مصوبه‌ی هیئت رئیسه، تمامی همیاری‌ها از طریق سیستم پرداخت آنلاین وبسایت انجام می‌شود و همراهان عزیز می‌توانند با اطمینان و به راحتی از طریق درگاه اینترنتی، همیاری مالی داشته باشند.

<https://rwb.charity/general-donation-form>

در سه ماهه‌ی دوم سال ۲۰۲۱، تحقیقات، بحث و گفتگوها پیرامون طرح مهرانه ۱۴۰۰ شروع شد و انجمن بر آن است که با برنامه‌ریزی دقیق و پشتوانه‌ی همراهان عزیز، همانند مهرانه ۹۹، طرح‌های متنوع و موثری را تعریف و اجرا نماید. در شماره‌ی بعد نشریه، جزییات بیشتری مهرانه ۱۴۰۰ در اختیار خوانندگان عزیز قرار خواهد گرفت. جهت بررسی نقاط ضعف نشریه و نیز گرفتن بازخورد خوانندگان گرامی، یک نظرسنجی برگزار شد که ۷۳ نفر در آن شرکت کردند که نتایج نظرسنجی از طریق صفحات شبکه‌های مجازی انجمن در اختیار عزیزان قرار گرفت. ما همچنان مشتاق انتقادات و پیشنهادات خوانندگان گرامی هستیم.

طرح‌های تصویب و اجرا شده‌ی انجمن در سه ماهه‌ی دوم سال ۲۰۲۱ به شرح ذیل هستند.

### طرح خرید گوشی موبایل برای یک دانشجو - خرداد ۱۴۰۰

دانشجوی مورد حمایت در این طرح، به دلیل نداشتن شغل و منبع درآمد در خانواده‌شان، در تامین هزینه‌های معاش زندگی با مشکل مواجه هستند و این دانشجو توانایی خرید گوشی موبایل جهت انجام امور تحصیلی خود را ندارد. با توجه به برگزاری آنلاین کلاس‌های دانشگاه، با تعریف این طرح، توانستیم کمک بزرگی را در راستای ادامه تحصیل ایشان برداریم تا بتواند با دغدغه کمتری به تحصیل خود ادامه دهد.

در این طرح که با همکاری مرکز خدمات بهزیستی "مثبت زندگی" صورت گرفت، مبلغ ۳ میلیون تومان هزینه شد.

### طرح تکمیل سقف کاذب ۳ کلاس درس - خرداد ۱۴۰۰

گروه نیکوکاری رنگ خدا، با مشارکت عده‌ای از خیرین منطقه، موفق شده‌اند در شهرستان زهک استان سیستان و بلوچستان مدرسه‌ای ۳ کلاسه در متراژ ۱۲۰ متر بنا کنند. تمام کارهای عمرانی مدرسه انجام شده اما با توجه به کمبود بودجه، تنها سقف کاذب کلاس‌ها باقی مانده بود که با مشارکت انجمن همراهان بدون مرز، مدرسه به طور کامل آماده بهره‌برداری شد. مدرسه در مقطع تحصیلی متوسطه اول بوده و با تکمیل آن، در سال تحصیلی جدید حداقل ۱۲۰ دانش آموز در دو شیفت دخترانه و پسرانه از این فضا بهره‌مند خواهند شد. پس از تکمیل این مدرسه، دختران بیشتری از منطقه می‌توانند به تحصیل ادامه دهند. برخی خانواده‌ها به دختران اجازه رفتن به شهر مجاور جهت تحصیل را نمی‌دهند و به ناچار دختران مجبور به ترک تحصیل و ازدواج زود هنگام می‌شوند.

بودجه‌ی این طرح ۱۷ میلیون تومان است.

**طرح کمک هزینه حمایت از کودک قطع نخاعی - فروردین ۱۴۰۰**

مددجوی جامعه هدف این طرح، کودک قطع نخاع مادرزادی در زنجان است که سرپرست وی فاقد شغل و درآمد مناسب می‌باشد و با توجه به مشکلات عدیده مالی، این خانواده امکان خرید پوشینه بهداشتی به مقدار لازم را ندارد. لازم به توضیح است که کودک مورد نظر از نظر میزان هوش و استعداد بسیار توانمند بوده و با حمایت می‌تواند به تحصیل خود ادامه دهد. ایشان قبلاً نیز تحت پوشش انجمن همراهان بدون مرز بوده‌اند که در روند اجرای طرح وقفه ایجاد شد و مجدداً با پیگیری‌هایی که صورت گرفت، طرح جدید آماده شد و توسط مدیریت مرکز بهزیستی "مثبت زندگی" اجرا می‌گردد.

هزینه‌ی اجرای این طرح برای یک سال ۷.۲ میلیون تومان است.

**طرح خرید یخچال برای کودکان بی‌سرپرست (بخشی از مهرانه ۱۳۹۹) - تیر ۱۴۰۰**

در این طرح با همکاری موسسه‌ی مهر غریب، برای مرکز نگهداری کودکان بی‌سرپرست یک یخچال تهیه شد. این طرح در ادامه‌ی طرح مهرانه ۹۹ است که انجمن هزینه‌ی رهن محل اسکان و تجهیز این عزیزان را پرداخت کرده بود.

بودجه‌ی مورد نیاز این طرح ۱۴ میلیون تومان است.

**طرح یاری هزینه معلم برای ۳ ماه تابستان جهت دانش آموز بازمانده از تحصیل - تیر ۱۴۰۰**

در این طرح هزینه‌ی معلم برای ۳ دانش آموز، یک بازمانده از تحصیل و دو دانش آموز سال چهارم، توسط انجمن تامین می‌شود. یکی از این عزیزان به دلیل شیوع کرونا و عدم دسترسی به موبایل، مجبور به ترك تحصیل شد. با توجه به پرتلاش بودن این دانش‌آموزان، و نیز اهمیت آموزش حضوری برای کودکان بازمانده از تحصیل، هماهنگی‌های لازم با يك معلم به منظور آموزش حضوری انجام شد. بدین صورت این دانش‌آموزان می‌توانند در تابستان، محتوای آموزشی مربوطه را فراگرفته و با شرکت در آزمون‌های شهریورماه، امکان ثبت‌نام در پایه بعدی را خواهند داشت. کلاس‌ها با نظارت مجری طرح و با همکاری سرایدار مدرس، در مدرسه‌ای برگزار خواهد شد.

هزینه‌ی انجام این طرح به مدت سه ماه، ۲.۴ میلیون تومان است.

**طرح یاری کلاس‌های تابستانی برای کودکان کم‌برخوردار - تیر ۱۴۰۰**

با توجه به شرایط مالی خانواده‌های تحت حمایت این طرح، کودکان این خانواده‌ها اغلب به دلیل شرایط مالی، فرهنگی، بیماری و یا شرایط ناخواسته‌ی دیگر، در وضعیت بسیار سختی قرار دارند؛ به طوری‌که که از ابتدایی‌ترین آموزش‌ها و تفریحاتی که هم‌سالانشان دارند محرومند. با توجه به تعطیلی مدارس در تابستان، برنامه‌های آموزشی و تفریحی مشخصی از جمله کلاس‌های نقاشی، قصه‌خوانی، نمایش، موسیقی کودک، زبان انگلیسی، نجاری و آشنایی با اینترنت و ... برای ۱۵ کودک در نظر گرفته شده است.

بودجه‌ی انجام این طرح به مدت سه ماه، ۳.۶ میلیون تومان است.

کارگروه ایران، طرح عیدانه‌ی ۱۴۰۰ را با برگزاری جلسات با انجمن همکار این طرح، نیک‌گامان جمشید، پیگیری نموده است و اولین گزارش پیشرفت تکمیل مدرسه به انجمن ارائه شده است. طرح‌های ماهانه‌ی حمایت آموزشی و توانمندسازی کودکان (فارس)، بورسیه‌ی تحصیلی کرمانشاه، و بورسیه‌ی تحصیلی کردستان همچنان ادامه دارند ولی طرح سرویس مدارس شهرستان نیک‌شهر، به علت نامشخص بودن استفاده‌ی دانش‌آموزان در ماه آخر از سرویس، به حالت تعلیق درآمد تا با مجری طرح صحبت شود.

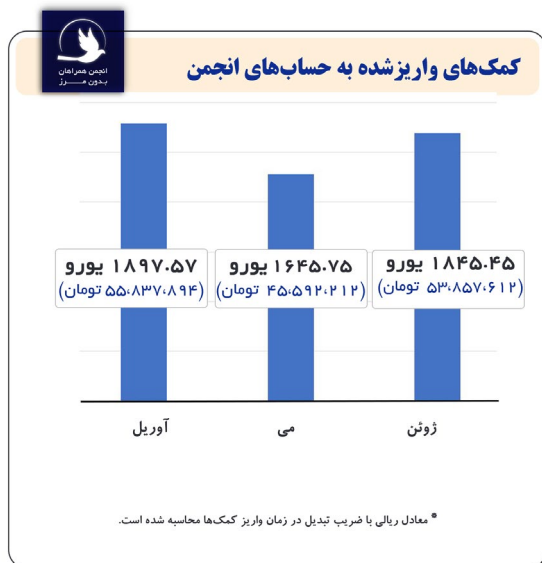
با حمایت‌های شما همراهان گرامی و تلاش کارگروه‌های مختلف انجمن در سال ۱۴۰۰ تا این لحظه ۵۶۱ نفر از طرح‌های انجمن منتفع شده‌اند. کارگروه مالی انجمن همراهان بدون مرز هر سه ماه، گزارشی دقیق و شفاف از میزان درآمدهای انجمن، هزینه‌های جاری انجمن، یاری‌رسانی‌های انجمن به طرح‌های مصوب و اجرا شده ارائه می‌دهد. هریک از اعضا می‌توانند سوالات و ابهامات خود را با دبیر کارگروه و یا بازرس انجمن مطرح نمایند.

لازم به ذکر است که انجمن از تمامی همراهان خود تقاضا دارد که طرح‌ها و فعالیت‌های انجمن را از طریق مشارکت‌های ماهیانه و منظم

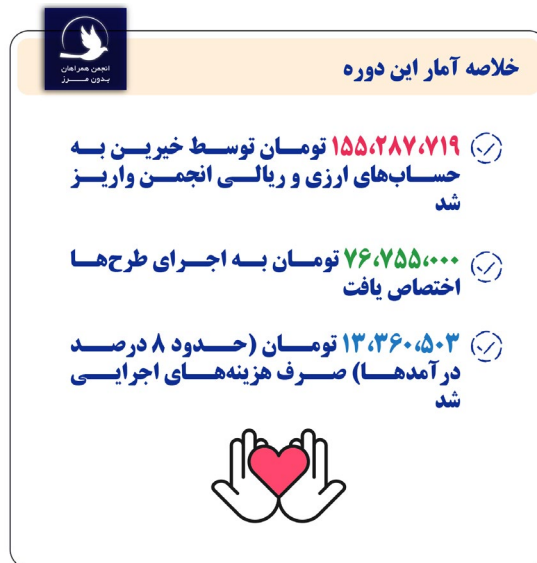


همراهی کنند. کمک‌های منظم ماهانه، به انجمن امکان اختصاص منظم منابع مالی را برای طرح‌هایی مانند بورسیه‌ی تحصیلی دانش‌آموزان پرتلاش فراهم می‌کند. با اطلاع رسانی‌های انجمن پیرامون اهمیت طرح‌ها و همیاری ماهانه و نیز حمایت خیرین گرامی، تعداد همراهان منظم انجمن به ۴۱ نفر افزایش یافت که البته هنوز با توجه به طرح‌ها و چشم انداز انجمن، امید است این تعداد که افزایش یابد. مجموع همیاری‌ها به انجمن در این مدت معادل ۵۳۸۸.۷۷ یورو بوده است که با جزئیات بیشتر در شکل‌های شماره ۱ و ۲ نشان داده شده است. تمامی همیاری‌های مالی انجمن از طریق وبسایت انجمن صورت می‌گیرد.

همیاری‌های انجمن در بخش‌های مختلف با توجه به اهداف تعریف شده‌ی انجمن، به همراه بودجه‌ی در نظر گرفته شده، در شکل‌های ۳ و ۴ قابل مشاهده می‌باشد. لازم به یادآوری است که جزئیات تصویب و اجرای همه‌ی طرح‌ها در گزارش اختصاصی هر طرح و نیز گزارش مالی، به طور جداگانه در اختیار اعضا قرار می‌گیرد.

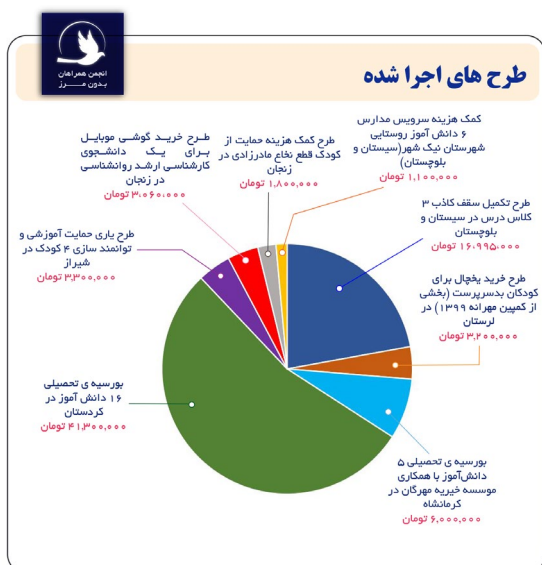


شکل شماره ۲: کمک‌های واریزی به انجمن در سه ماهه‌ی دوم سال ۲۰۲۱

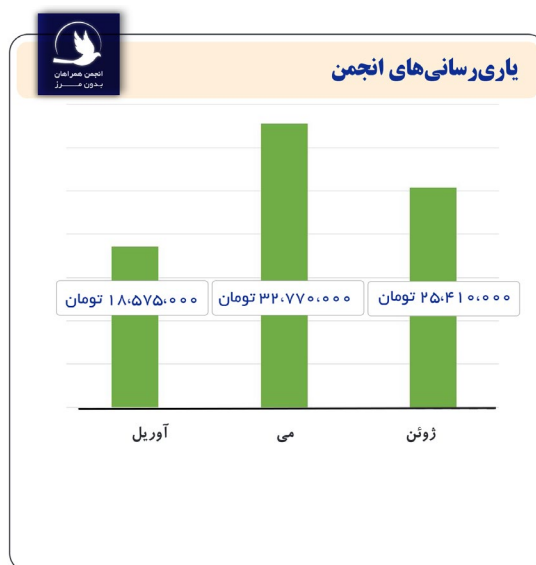


شکل شماره ۱: مجموع درآمد و هزینه‌های انجمن در سه ماهه‌ی دوم سال ۲۰۲۱

همراهان بدون مرز همواره بر این تلاشند که در گستره‌ی جغرافیایی حداکثری، یاری‌رسانی‌های خود را انجام دهند. رویکرد و عقیده‌ی ما، یاری‌رسانی فارغ از مرزهای جغرافیایی است. در شکل شماره ۵ گستره‌ی جغرافیایی کمک‌های مالی همراهان بدون مرز در سه ماهه دوم سال ۲۰۲۱ قابل مشاهده است.



شکل شماره ۴: جزئیات طرح‌های اجرا شده‌ی انجمن در سه ماهه‌ی دوم سال ۲۰۲۱



شکل شماره ۳: یاری‌رسانی‌های انجمن در سه ماهه‌ی دوم سال ۲۰۲۱

تلاش انجمن شناسایی افراد کم برخوردار توسط رابطین معتمد، فراهم آوردن امکانات و تسهیلات در حد توان مجموعه و در عین حال حفظ کرامت انسانی تمام افراد است. در هیچ یک از گزارش‌هایی که برای اعضای انجمن و نیز در صفحات مجازی انجمن منتشر می‌شود، تصویر، نام و مشخصات فرد کم‌برخوردار گفته نمی‌شود. به امید آنکه تمام کودکان از حق تحصیل برخوردار باشند و همه‌ی انسان‌ها، فارغ از مرز و نژاد از حداقل‌های رفاهی زندگی روزمره برخوردار باشند.



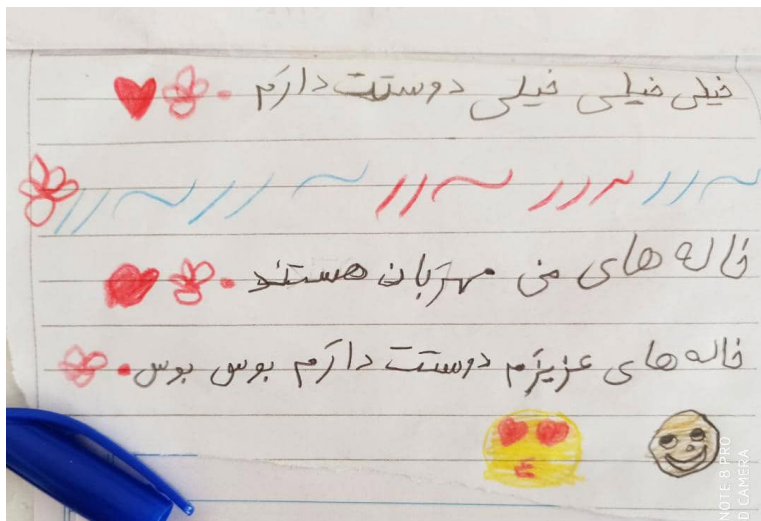
شکل شماره ۵: پراکندگی جغرافیایی طرح‌های انجمن در سه ماهه ی دوم سال ۲۰۲۱

بر این باوریم که وظیفه‌ی انسانی هر یک از ما ایجاب می‌کند که با هدف ارتقای آگاهی جمعی آینده‌سازان کشورمان، در کنار هم بسترهایی با ثبات برای آموزش و تحصیل فرزندان ایران فراهم آوریم. ما به قدم‌های کوچکمان امید داریم تا با همراهی شما عزیزان، هر چه بیشتر در راستای عدالت آموزشی و فراهم نمودن امکان تحصیل برای دانش آموزان قدم برداریم.





## بوم نقاشی نگاره هایی از پرپسا و ستایش عزیز برای انجمن همراهان بدون مرز





همراه بدون مرز باشیم...